

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Social

اجتماعی

نعمت الله مختارزاده
۳۱ اگست ۲۰۲۰

الحاج خلیل الله ناظم باختري شاعر آزاده و وارسته، دوست نهایت گرامی و ارجمندم هم به ابدیت پیوست، روحش شاد و روانش قرین رحمت پروردگار



گنجۀ خاطر

پاسُخ، صبر و شکیبائی و ایثار تو بود
نیش اشعارِ مَنّت، شوخ و جفاکار تو بود
طبع گُستاخِکِ مَن راز نگهدار تو بود
خنده های نمکین، بر لب اشعار تو بود
همه جا قصه ز رفتار و ز کردار تو بود

ای که دایم قلمم، در پی آزار تو بود
صبرِ ایوب ز صبرت شدی راهی عَدَم
سینِ اصلی تو معلوم نبود به کسی
هر چه میکردی رقم، پاسخ من بود به طنز
حُسنِ اخلاق تو سرمشقِ ادیبان بودی

حوصله مندی تو، کلک، به دندان فلک
شوخی هائی که میان من و تو بود غلیظ
ای که درد دل و آئینه افغانستان
ای که پورتال وزین را بُدی یارِ سوم
سه تفنگدار، تو و بنده و آغای خُرِفَت
به مریضانی که لب تشنه شهرت بودند
چه گدایانی که از لطف تو گردیده ملک
ناظما رفتی و فردوس برین جای تو باد
رفتی و قیمت بازار سخن خورد، زمین
اولین بار به درب دل من تَک تَکِ مَهر
دست من بود به دست تو که می افتادم
یادگاری تو در گنجۀ خاطر، ما را
بذله های من و تو ورد زبان همگان
می ندانم پی آزار کی باشد پس ازین

طاقت و تاب و توان، معجزه کار تو بود
تلخ و شیرین و گهی مرچ و نمکدار تو بود
جالب و خواندنی از طبع گُهر بار تو بود
ز رقابت رُقبا، سخت به پیکار تو بود
خامۀ بنده که در خانۀ پرگار تو بود
ز سخاوت لقبِ مَن مَن و خروار تو بود
چه غلامانی که با فخر علمدار تو بود
جای دیگر به خدا، می نه سزاوار تو بود
یوسف مصر ادب سخت خریدار تو بود
بهر تشویق، ز دستان بزرگوار تو بود
پای رفتن، اگر قله کوهسار تو بود
(تکیه گاه سخن) از مجمع اشعار تو بود
گوئیا تیغ من افتاده به تلوار تو بود
"نعمت" نمله که چون نخله عسل دار تو بود